

The Qur'anic References about Individuals' Political Security

Seyed Sajjad Al Seyed Ghafoor¹

*1. Dr. Political Science, Qom; Member of the Association for Political Studies, Iran.
aleghafoor@gmail.com*

Received: 2019/07/29; **Accepted:** 2020/04/29

Abstract

The purpose of the present study is to review Qur'anic references on individuals' political security. The research method was non-temporal derivative thematic exegesis and the results showed that the Qur'an in different statements has referred to the importance of all humans and emphasized on their security to retain political rights to express their beliefs freely and fearlessly so that no one can harass them for expressing their opinion and their participation in their social and political destiny is guaranteed by the establishment. From the Qur'anic perspective, without recognizing individuals' political security there cannot be any development and improvement in any society so every political system ought to provide political security for its citizens and protect their political rights. Therefore, according to the Noble Qur'an we can achieve an optimal and ideal society by recognizing the divine place of humans, his role on the earth, and his political rights as well as defending against any threat in this regard.

Keywords: Qur'an, Political Security, Political Rights.

گزاره‌های قرآنی مرجع امنیت سیاسی افراد

سیدسجاد آل‌سیدغفور^۱

۱. دکترای علوم سیاسی، قم؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، ایران. aleghafoor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی گزاره‌های قرآنی مرجع امنیت سیاسی افراد بود. روش پژوهش تفسیر موضوعی استخراجی غیرزمانی بوده و نتایج نشان داد، قرآن در گزاره‌های گوناگونی به اهمیت یکایک انسان‌ها اشاره کرده و بر مصونیت آنان در ایفای حقوق سیاسی‌شان تأکید می‌نماید که در آن مردم آزادانه و بدون ترس باورهای خود را بیان کرده و کسی به آنها به دلیل ابراز عقیده‌شان تعرض نمی‌کند و مشارکت آنان توسط حاکمیت یک کشور به منظور تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی تضمین می‌شود. از نظر آموزه‌های قرآنی، بدون پذیرش امنیت سیاسی افراد در هیچ جامعه‌ای امید تعالی و ترقی وجود نخواهد داشت و لذا هر نظام سیاسی، به منظور دستیابی به نظامی مطلوب بایستی امنیت سیاسی را برای شهروندانش تأمین کند و از حقوق سیاسی ایشان صیانت نماید. بنابراین، از منظر قرآن کریم، با فهم جایگاه انسان نزد خداوند و نقش او در روی زمین، شناسایی حقوق سیاسی او و نفی هرگونه تهدیدی می‌توان به تحقق جامعه مطلوب و آرمانی از منظر قرآن دست یافت.

واژه‌های کلیدی: قرآن، امنیت سیاسی، حقوق سیاسی.

۱. مقدمه

از منظر قرآن، امنیت مفهومی گسترده دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود. امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های انبیای الهی است، «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره، ۱۲۶). قرآن یکی از اهداف مهم برپایی حکومت صالحان را تحقق امنیت در جامعه بشری ذکر کرده است، «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور، ۵۵).

پژوهش حاضر در پی فهم یکی از مهمترین موضوعات امنیتی، یعنی مرجع امنیت است. این بحث یکی از مهم‌ترین عناصر تحلیلی مفهوم امنیت در هر مکتب امنیتی بوده که در پاسخ به سوال امنیت برای چه کسی یا برای چه چیزی شکل می‌گیرد. اهمیت مرجع امنیت از آن جهت است که در غیاب آن نه تهدیدها و چالش‌های امنیتی می‌تواند مطرح باشد و نه اهداف و غایات امنیتی موضوعیت پیدا می‌کند. مرجع امنیت مانند مفهوم امنیت، محل اختلاف و مناقشه است و امنیت‌پژوهان مرجع یا مراجع خاصی انتخاب کرده‌اند. امنیت را براساس ابعاد، می‌توان به نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم کرد. در حوزه امنیت سیاسی نظریات گوناگونی ارائه شده است، اما هیچ کدام از آنها نتوانسته راه حل مناسبی را برای ناامنی‌های سیاسی موجود ارائه نماید. وجود مشکلات مهم و متعدد امنیت سیاسی در جهان و بویژه کشورهای اسلامی که مشروعیت نظام سیاسی و حقوق خدادادی و اساسی سیاسی مسلمانان را مورد چالش قرار می‌دهد، شاهدی بر این مطلب است.

۲. مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری تحقیق

۲-۱. امنیت

امن و امنیت در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ص ۲۵). در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف

شده است (معین، ۱۳۷۱: ص ۳۵۴). در لغت‌نامه دهخدا به معنای ایمن شدن و در امان ماندن است (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۲۸۹۴). در دائرةالمعارف بزرگ لاروس ذیل واژه security، وضعیتی که در آن واهمه از خطر وجود ندارد و آرامش نفسانی از آن حاصل می‌شود، آمده است (Webster, 1957: P.18). بوزان^۱ معنای لغوی امنیت را عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۵۲).

با بررسی اجمالی مشخص می‌شود که بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف از امنیت ارائه شده است (افتخاری، ۱۳۷۷: ص ۲۷-۶۰). بوزان حداقل سیزده تعریف مختلف را آورده که هر یک از آنها به دنبال ارائه درکی از امنیت است. در آغاز امنیت فقط مستلزم تضمین فیزیکی یک شخص، قبیله و یا ملت بود و معمولاً به محیط نظامی اشاره داشت و هنگامی که حیات مردم تهدید می‌شد، هر چیز دیگری تحت الشعاع آن قرار می‌گرفت، اما با پیشرفت جامعه انسانی، امنیت در یک مفهوم گسترده‌تر و در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... نیز مورد توجه واقع شد. امنیت را می‌توان به دو گونه سلبی و ایجابی تعریف نمود. در تعریف سلبی، امنیت وضعیتی است که منافع بازیگر یا از سوی دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر(هدف) وجود داشته باشد (افتخاری، ۱۳۹۱: ص ۸۱). در تعریف ایجابی امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد)، تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد) تولید رضایت می‌نماید (افتخاری، ۱۳۹۱: ص ۸۴).

در قرآن کریم امنیت و عدم خوف، به مکان و جایگاه مهم و اصلی عبادت و پرستش گفته شده است، «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره، ۱۲۵).

1. Barry Gordon Buzan

۲-۲. امنیت سیاسی

اصطلاح امنیت سیاسی را نخستین بار باری بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، در بحث از اقسام امنیت جامعه طرح و تفصیل داد. از نظر بوزان امنیت جوامع بشری به پنج دسته امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می‌گردد که البته سخت به یکدیگر مرتبط هستند. در چپستی و مفهوم امنیت سیاسی سه دیدگاه مختلف وجود دارد. در رویکرد دولت محور، امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشند (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۳۷). تهدیدهای سیاسی، ثبات سازمانی دولت را هدف گرفته‌اند. منظور از این تهدیدها می‌تواند گوناگون باشد و از تحت فشار گذاشتن حکومت در زمینه سیاسی خاص تا براندازی حکومت، دامن زدن به جدایی‌طلبی و از هم گسیخته کردن کالبد سیاسی دولت به قصد تضعیف آن پیش از حمله نظامی را در برمی‌گیرد.

در مقابل این نگاه، رویکرد فرد محور قرار دارد. امنیت سیاسی افراد، دارای این موضوعات و با این شاخص‌ها قابل شناسایی می‌باشد: حق بر به‌کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی، حق بر انتخاب شدن برای سمت‌ها و مناصب سیاسی، حق بر انتخاب کردن حاکمان (لکزایی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۲۰).

استبداد، طاغوت، حاکمان جائر، نظام سلطنتی، حکومت‌های وابسته و وابستگی، تهدیدهای سیاسی هستند و به جای آن‌ها ارزش‌هایی همچون آزادی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، انتخابات آزاد و... است (لکزایی، ۱۳۹۲: ص ۲۲). بنابراین، امنیت سیاسی وضعیتی است که افراد در جامعه بدون هرگونه نفاق و فریب‌کاری بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها و مواضع خود را بیان کنند (میراحمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۰). اما در رویکرد تلفیقی امنیت سیاسی، برخورداری از صیانت موثر بازیگران (افراد، گروه‌ها و حکومت) برای عمل و بهره‌مندی از حقوق سیاسی خویش است که جامع تعاریف امنیت سیاسی است.

تحقیق حاضر تلاش دارد تا مرجع امنیت سیاسی را با رویکرد فرد محور از منظر قرآن کریم مورد سنجش قرار دهد.

۲-۳. مرجع امنیت

یکی از سئوالات اصلی در امنیت، سؤال از چیز یا چیزهایی است که امنیت آن در کانون توجه قرار دارد و یا به عبارتی مهم‌ترین چیزی است که باید از تهدید مصون بماند (تریف^۱ و دیگران، ۱۳۸۳: ص ۱۲-۱۳) که در مطالعات امنیتی جدید با عنوان موضوع یا مرجع امنیت معرفی می‌گردد. در واقع وضع مرجع امنیت، شاخص مهمی برای درک وضع امنیتی در هر سیستم مفروض می‌باشد. مرجع امنیت به شدت با ارزش‌های بنیادین ارتباط دارد و در حقیقت جنبه عینی‌تر و امنیتی ارزش‌های ذهنی می‌باشد. می‌توان گفت مساله مرجع امنیت در هر نظریه امنیتی، قلب آن نظریه است که سایر مسایل به نوعی به آن ارتباط پیدا می‌کند (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ص ۵۰). در هر مطالعه امنیتی، اولین پرسش این است که امنیت مورد نظر، چه مرجعی دارد؟ امنیت، متعلق فردی، اجتماعی، ملی یا منطقه‌ای و بین‌المللی است؟ در برخی از نظریات امنیتی به ویژه نظریات رئالیستی چه در سطح امنیت ملی و چه در سطح امنیت بین‌المللی، دولت‌ها مرجع امنیت تلقی می‌گردند (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۷۷). نظریات انتقادی نیز فرد را مرجع نهایی می‌دانند. مرجع امنیت متفاوت از علت غایی امنیت است. مرجع امنیت متناسب با نوع امنیت متفاوت می‌باشد. در مرجع امنیت سیاسی بدنبال پاسخ به این پرسش هستیم که بر چه مبنایی تک‌تک افراد یک جامعه دارای حقوقی سیاسی هستند که نظام سیاسی و دولت به عنوان متولی و متکفل امنیت باید آن را تأمین و برقرار نماید.

۳. روش‌شناسی تحقیق

رویکردهای مختلفی برای فهم از قرآن میان مسلمانان وجود دارد. تفسیر تنزیلی، ترتیبی و موضوعی از آن جمله‌اند. تفسیر موضوعی، روشی است برای تبیین یک موضوع با ملاحظه آیات هم موضوع و هم مضمون و نه هماهنگ، با ترتیب و تنظیم موجود در قرآن. در این روش، مفسر

1. Terry Terriff

آیات مختلف درباره یک موضوع را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و با جمع‌بندی و تحلیل آنها دیدگاه قرآن را تبیین می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۹). آیات مختلفی درباره یک موضوع که در مواضع مختلف قرآن آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی شود و از مجموع آن، نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن گردد. این شیوه بین تجربه بشر و قرآن جمع می‌کند و یک نظریه واحد را حول یک موضوع ارائه می‌کند. این روش تفسیر تقطیعی هم خواننده شده است. چون در این شیوه آیات قرآن تقطیع و جدا از آیات قبل و بعد بررسی می‌شود. در تفسیر موضوعی دو رویکرد وجود دارد. استنتاجی که به سخن درآوردن متن براساس سئوالات زمانه است و استخراجی که تعیین موضوع از بیرون و شناسایی مسائل و احکام از متن است. روش تفسیر استخراجی بر دو نوع تقسیم می‌شود: استخراج زمانی، یعنی براساس تفسیر تنزیلی و با تاکید بر زمان نزول و غیر زمانی (معنایی)؛ یعنی گرد هم آمدن منطقی داده‌های موجود جهت استخراج یک نظام از درون آنها.

این تحقیق با استفاده از روش تفسیر موضوعی استخراجی غیر زمانی در پی آن است که آیات مربوط به امنیت سیاسی افراد را شناسایی و استخراج نماید. مکانیسم جستجوی آیات امنیت سیاسی افراد، بدون تحمیل پرسش‌های زمانه و خالی‌الذهن صورت می‌گیرد تا آیات مربوط به آن استخراج و مشخص گردد. بر این اساس آیات بدست آمده به شکل زیر ترسیم گردید.

۴. تاکیدات مربوط بر ارزش انسان‌ها در قرآن کریم

۴-۱. آیات مربوط به ویژگی‌های وجودی انسان

خداوند، آفریننده انسان‌ها بوده و انسان، کامل‌ترین موجودات و ارجمندترین آفریده‌ها است، «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴). قوام به فتح قاف، یعنی عدل و به کسر قاف یعنی، نظام و رکن و آنچه مایه قیام چیزی باشد. تقویم، یا از اولی گرفته شده و به معنای تعدیل بوده و یا از دومی مشتق شده و به معنای قوام دادن و عنصرهای چیزی را سامان بخشیدن است. در این

صورت مفاد آیه این می‌شود که نظام خلقت انسان، در اوج حُسن و نیکویی است. حُسن هر چیز در عرف مردم، به زیبایی حسّی آن بوده، ولی بیشتر موارد آن در قرآن، ناظر به نوعی از زیبایی است که با بصیرت درک می‌شود. مراد از احسن تقویم - به قرینه آیه بعد - نقطه مقابل اُسفل سافلین است، یعنی، هر انسانی در اصل خلقت خویش، از برترین نوع آفرینش برخوردار بوده و سقوط برخی از انسان‌ها به پست‌ترین حالت‌ها، عارضی و غیراصیل است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۴). آفرینش انسان، کامل و متعادل است. سجده فرشتگان، به خاطر دمیده شدن روح خدا بود، «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۹). انسان، موجودی است دو بُعدی و در هر دو بُعد کامل است. در بُعد مادی تاکید می‌شود بر سَوَّيْتُهُ و در بُعد معنوی نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي است.

۲-۴. آیات مربوط به ویژگی‌های معرفتی انسان

ارزش انسان به فهم و آموختن است. آموختن انسان، هدیه خداوند و نعمت او است که انسان را از وادی جهل و نادانی به علم و دانائی راهنمائی کرده و نخستین تعلیم دهنده خداوند است، «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۵). سوره علق به عنوان نخستین کلام وحی به حضرت محمد(ص)، نشان از اهمیت جایگاه علم، دانش از منظر قرآن دارد. منظور الْإِنْسَانَ در اینجا جنس یعنی عموم انسان‌ها است. بدیهی است که انسان به هنگام ولادت از هیچ چیزی حتی از وجود و نام خویشتن کوچک‌ترین علم و اطلاعی ندارد، «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً» (نحل، ۷۸). بنابراین، شکی نیست در اینکه آنچه انسان می‌داند به طور مستقیم، یا به نحو غیرمستقیم از طرف ذات مقدس پروردگار به انسان تعلیم شده است.

۳-۴. آیات مربوط به ویژگی‌های توصیفی انسان

الف. آیات کرامت و فضیلت برای همه انسان‌ها

امنیت سیاسی افراد ارتباط وثیقی با امنیت روانی دارد. امنیت روانی حالت نفسانی حاصل برای افراد است که از به دلایل و طرق گوناگونی برای آنها ایجاد و فراهم گردیده است. اما حقوق

سیاسی افراد چیست که می‌تواند مورد تهدید قرار بگیرد و تولید ناامنی برای افراد جامعه نماید. از موانع مهم کرامت که در قرآن کریم مورد تاکید واقع شده است، «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰)، و عواملی که جلوی شکوفایی استعدادهای انسانی را می‌گیرد، احساس ناامنی به ویژه از سوی حاکمان است. احساس ناامنی خصوصاً نسبت به زندگی که همه هستی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد، برهم زنده عزتمندی انسان است، در حالی که یکی از آثار توجه به کرامت و شرافت ذاتی انسانی، برخورداری انسان از حقوق سیاسی است، زیرا بدون ارزش‌گذاری آنها، دیگر موضوعی برای کرامت انسان باقی نمی‌ماند تا در مورد حیثیت آن و محترم بودن آن چیزی گفته شود. از این رو، جامعه کریمان، جامعه‌ای است که شهروندانش اعم از مسلمان و غیر مسلمان در آن جامعه، نسبت به حوادث و عوامل تهدیدکننده و بیم‌دهنده، احساس خوف، خطر و دغدغه ندارند و از زندگی آسوده و مطمئنی برخوردارند. از این رو، در فرهنگ قرآن، اهمیت کرامت و حرمت جان یک انسان، به مانند حفظ جان همه بشریت دانسته شده است (انتظاری و ستوده، ۱۳۹۶: ص ۶). حکومت موظف است، نسبت به همه افراد جامعه با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی، عمل نماید و حقوق انسانی آنان را رعایت کند، «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸). لذا، برای برقراری امنیت سیاسی یکی از راهکارهای اساسی و مهم، آن است که عوامل عزت آفرین و کرامت بخش را شناسایی و تقویت نمود تا افراد جامعه با تمسک و عمل به آنها از چنان کرامت نفسی برخوردار شوند که ارتکاب گناه حتی در خلوت و پنهانی برای آنها امری دشوار و هراسناک جلوه کند و بدین ترتیب انسانی که از چنین تربیت الهی برخوردار شد، هرگز نه در عرصه زندگی فردی و نه در عرصه زندگی اجتماعی، تهدیدی برای امنیت و آسایش خود و جامعه نخواهد بود.

ب. آیات ارزش والای یکایک انسان‌ها در نزد خداوند

انسان‌ها، اعضای یک پیکره و به منزله یک مجموعه هستند. از منظر قرآن کریم یکایک

شهروندان و همه افراد جامعه باید توان ایفای حقوق خود را داشته باشند و بدی در حق فرد، بدی در حق جامعه است و نیکی در حق کسی، نیکی در حق جامعه است، «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲). اهمیت و ارزش والای همه انسان‌ها در نزد خداوند محفوظ بوده و جلوگیری از نابودی انسان‌ها در پیشگاه خداوند به منزله حفظ حیات همه انسان‌ها است. ارزش والای انسان در پیشگاه خداوند نشان از آن دارد که انسان‌ها، دارای منزلتی برابر و پاداش مساوی در نزد او دارند و حاکی از برابری تمامی انسان‌ها در حق حیات و زندگی سیاسی و اجتماعی است. ایجاد صلح و امنیت از اهداف رسالت انبیاء می‌باشد. جامعه انسانی در حقیقت یک واحد بیش نیست و افراد آن همانند اعضای یک پیکرند. هر لطمه‌ای به عضوی از اعضای این پیکر برسد اثر آن کم و بیش در سایر اعضا آشکار می‌گردد، زیرا یک جامعه بزرگ از افراد تشکیل شده و تهدید یک فرد خواه ناخواه ضربه‌ای به همه جامعه بزرگ انسانی است. تهدید او سبب می‌شود که زیانی از این رهگذر دامن همه را بگیرد، زیرا هر کس به اندازه وجود خود در ساختمان مجتمع بزرگ انسانی و رفع نیازمندی‌های آن اثر دارد.

ج. آیات جانشینی انسان بر روی زمین

آیات گوناگونی در قرآن کریم بر اهمیت انسان بما هو انسان در جایگاه جانشین خداوند اشاره دارد. از این منظر همه انسان‌ها دارای احترام هستند و باید امنیت آنها جهت ایفای حقوقشان محفوظ باشد. خلیفه به معنای کسی است که به جای شخص دیگری می‌آید و قائم مقام و جانشین اوست (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۹۹۳۹). این لفظ و مشتقاتش ۱۵ بار در قرآن مورد استفاده قرار گرفته است که فقط برخی از آنها به مفهوم خلیفه/الله نزدیک‌اند. اگرچه اصطلاح خلیفه/الله در روایات و ادعیه مطرح شده و در قرآن به کار نرفته است، اما برخی با استناد به آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰) معتقدند منظور از خلیفه در این آیه همان خلیفه/الله است. برخی با تفسیر خلیفه در این آیات به خلیفه/الله مخالفت کرده‌اند. در این آیه مکان خلیفه، زمین مشخص شده است، پس خلیفه و جانشین خداوند همواره در زمین حضور دارد. در مورد مصداق خلیفه/الله اختلاف وجود دارد. برخی معتقدند براساس نص آیات قرآن، این خلافت

اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد و تمام انسان‌ها از این منصب الهی بهره‌مند هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۳۶-۴۰). این در حالی است که اکثریت مفسرین شیعه و سنی معتقدند جانشینی خداوند در روی زمین اگرچه برای همه انسان‌ها است، اما همه انسان‌ها به این مقام نمی‌رسند و فقط انسان‌های خاصی که برخی آنان را به انسان کامل نامگذاری کرده‌اند، صلاحیت این مقام را دارند (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۱۵). خلافت و جانشینی خداوند به حقیقت انسان نسبت داده شده است، خلافت و حقیقت انسان براساس کمالی که کسب می‌کند، مراتبی دارد و هر کس با توجه به درجه کمال و هدایتی که کسب کرده دارای درجه‌ای از خلافت خداوند است، بنابراین، ضعف و قوت در کمال به ضعف و قوت علم انسان به اسماء الهی مرتبط بوده و هر چقدر علم انسان به اسماء بیشتر باشد، کمال و در نتیجه درجه و رتبه کسب او از مقام خلیفه الهی بیشتر خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۴۰). براساس آیه ۳۰ - ۳۱ سوره بقره بسیاری دلیل انتخاب شدن انسان به عنوان خلیفه‌الله را علم انسان به اسماء الهی عنوان کرده‌اند، چیزی که ملائکه استعداد و شأنیت پذیرش آن را نداشتند (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۱۶). این در حالی است که ملاصدرا راز خلافت انسان از جانب خداوند را از امور پیچیده‌ای می‌داند که انسان نمی‌تواند به آن دست یابد، مگر اینکه خداوند آن را بیان کند (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۳۰۸). برخی مصداق خلیفه را فقط حضرت آدم دانسته‌اند که با صراحت نصب داود(ع) سازگاری ندارد، «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ» (ص، ۲۶). انسانی که تبعیت از هوی و هوس ندارد و وجودش، مقام طهارت شده، تجلی اسماء و صفات الهی است.

۴-۴. آیات معرفی امنیت به عنوان حقوق همه انسان‌ها

از منظر قرآن کریم داشتن زندگی امن و سالم در جهت ایفای حقوق سیاسی و انجام فعالیت‌هایی با موضوع سیاسی حقی مسلم و واضح است. همه انسان‌ها می‌توانند زندگی ایمن و بدون تهدیدی را تجربه نمایند، «وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ ... فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ» (انعام، ۸۱). از دیدگاه پیامبران همه سزوار امنیت و عدم تهدیدند، هرچند مومنان

لیاقت بیشتری برای زندگی و زیست سالم و دارای امنیت را دارند. در نگاه قرآنی امنیت غیرمومنان نفی و مورد تهدید قرار نمی‌گیرد، حتی افراد ناشناس نیز در امنیت کامل قرار دارند، «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ» (ذاریات، ۲۵).

۴-۱. آیات نیاز به امنیت از تولد تا پس از مرگ

امنیت نیازی همیشگی و پایدار است که در همه اعصار و در همه مکان‌ها از گذشته تا آینده وجود داشته است. نمی‌توان زندگی بدون امنیت را سالم و مطلوب قلمداد کرد. انسان از تولد، رشد تا پیری به امنیت نیاز دارند، «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۱۵). نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و نسبت به مردم، زورگو و سرکش نبود، «وَوِيراً بوالديهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّاراً عَصِيًّا» (مریم، ۱۴). آیه، درود مخصوص خداوند به حضرت یحیی (ع) بوده که سلام به صورت نکره آمده است. چنین تعبیری در همین سوره نیز، درباره حضرت عیسی (ع) به صورت معرفه آمده است، اما درباره حضرت یحیی امتیاز خاصی دارد، چرا که گوینده این سخن خداوند می‌باشد، در حالی که در مورد مسیح، گوینده خود اوست، «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۳۳). خداوند در سه جای سخت، مهم و هراسناک، وعده امنیت می‌دهد. روز گام نهادن به دنیا (یوم ولد)، روز مرگ و انتقال به جهان برزخ (یوم یموت) و روز بعث و حشر (یوم یبعث حیا) (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۴، ص ۲۱).

۵. تاکیدات رعایت حقوق سیاسی افراد در قرآن کریم

۱-۱. آیات نفی استبداد افراد جامعه از سوی حکومت

در نگاه قرآنی افراد جامعه همگی مورد توجه و اهمیت هستند. نمی‌تواند به هر بهانه‌ای حقوق سیاسی آنها مورد تهدید قرار گیرد و شاهد ناامنی سیاسی در نظام اجتماعی بود. این تهدیدات می‌تواند از سوی افراد دیگر و یا حتی حکومت واقع شود، «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء، ۲۲). فرعون در درون خود، خدا را می‌شناخت، «قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُ مَا أُنزِلَ هُوَ لَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (اسراء، ۱۰۲)، ولی به ظاهر، خود را ربّ اعلای مردم

می‌دانست. خداوند در قرآن به تلاش‌های حضرت موسی برای رهایی و آزادی بنی‌اسرائیل از استبداد فرعون اشاره می‌کند. قرآن جدیت خطر استبداد حاکمان را می‌پذیرد، بدان دلیل که احساس قدرت و بی‌نیازی بارزترین مصداق آن در چهره حاکمیت است، «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» (علق، ۶-۷). به همین دلیل خداوند به مردم ضرورت اهلیت و لیاقت در حاکمان را گوشزد می‌کند (سجادی، ۱۳۸۲: ص ۲۲). تمرکز قدرت به نوعی فسادآور است و موجبات خودکامگی را فراهم می‌آورد. بنابراین، باید تلاش شود که در حد امکان، شمار بیشتری از مردم در اعمال قدرت و حاکمیت مشارکت نمایند و این امر از راه‌های مختلف از قبیل تجزیه و تقسیم قدرت بین نهادهای مختلف، کوتاه کردن مدت تصدی مشاغل و غیره میسر می‌شود، ولی در هر حال باید یک مشارکت عمومی در جهت نظارت بر جریان اعمال قدرت و حاکمیت وجود داشته باشد و این امر مقتضای تأمین سلامت زندگی مردم و حق طبیعی آنان است (دیلمی، ۱۳۷۸: ص ۹۹).

۲-۵. آیات دعوت به امنیت برای مسلمانان و غیرمسلمانان

از منظر قرآن کریم، ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز امری مهم و مطلوب است و در آن تفاوتی میان مسلمانان و غیرمسلمانان نیست. با مشرکان بی‌آزار، با کسانی که سرچنگ با شما ندارند و مزاحم وطن شما نیستند، خوش‌رفتاری کنید، «لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه، ۸). اهل کتاب در ایمنی هستند، «قُلْ ... تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (آل عمران، ۶۴) و خداست که همه مردم (مسلمانان و غیرمسلمانان) را به سرای سلامت فرا می‌خواند، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً» (بقره، ۲۰۸). کلمات سلم و اسلام و تسلیم هر سه به یک معنا است. سِلْم و سلام، در لغت به معنی صلح و آرامش است و بعضی آن را به معنی اطاعت تفسیر کرده‌اند و این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند. سلام یعنی سلامت‌خواهی از آفات ظاهری و باطنی که از اسمای خدای متعال می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ص ۲۰۸). ایجاد صلح، وظیفه همه مسلمانان است، «كَآفَّةً». شیطان، گام به گام انسان را منحرف می‌کند. راه‌های منحرف کردن شیطان، بسیار است.

شیطان، دشمن امنیت و وحدت بوده و همه ندهای تفرقه‌انگیز، بلندگوهای شیطانی هستند (قرائتی، ۱۳۸۳: ص ۲۰۸). *خُطُوت* جمع *خُطُوَه* به معنی گام و قدم است، در اینجا نیز این حقیقت تکرار شده که انحراف از صلح و امنیت، قدم برداشتن بر گام‌های شیطان است. در آیه بعد، به همه مؤمنان هشدار می‌دهد اگر لغزش پیدا کنید و تسلیم و سوسه‌های شیطان شوید و گامی بر خلاف صلح و سلام بردارید، با خدای توانا و حکیم، مخالفت کرده‌اید، «فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره، ۲۰۹). زندگی و جامعه‌ای امن و دارای امنیت، خواستگاه خداوند است، «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس، ۲۵). خداوند، هم دعوت می‌کند و هم راه را نشان می‌دهد، «يَدْعُوا، يَهْدِي». دعوت الهی برای همه است، ولی هدایت ویژه، مخصوص کسانی است که او بخواهد، «يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ». دارالسلام: خانه سلامت. سلام و سلامت هر دو به یک معنی است. بهشت ظاهراً از آن جهت دارالسلام است که در آن سلامت اکمل حکم فرماست، «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (انعام، ۱۲۷). کلمه سلام تحیتی است که گسترش صلح و سلامت و امنیت در بین دو نفر که به هم برمی‌خورند را اعلام می‌دارد، البته صلح و امنیتی که نسبت به دو طرف مساوی و برابر است و مانند تحیت‌های جاهلیت قدیم و جدید علامت تذلل و خواری زیردست نسبت به مافوق نیست (دیلمی، ۱۳۷۸: ص ۹۹).

۳-۵. آیات لزوم پذیرش امنیت افراد توسط حکومت

آیات قرآن کریم در ضمن تاکید بر امنیت، هنگامی که دیگران دست به تجاوز می‌زنند، دستور مقابله می‌دهد، ولی در زمانی که بازایستادند و درخواست امنیت و صلح کردند، قرآن مسلمانان را به پذیرش شرایط امن فرامی‌خواند تا همگی انسان‌ها در امنیت به سر ببرند، «فَإِنْ اغْتَرَزْتُمْ لَكُمْ فَلَمْ يَفَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء، ۹۰). این آیه همچون دیگر آیات سوره نساء در مدینه و در زمان تشکیل حکومت بر پیامبر اسلام (ص) نازل گردیده است که به نحوه برخورد حکومت و افراد جامعه می‌پردازد. در زمانی که میل به خشونت وجود ندارد، باید از سوی دیگران پذیرفته شود، «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال، ۶۱). جنح به معنی مایل شدن است، میل به صلح و امنیت برابر صلح و امنیت.

۵-۴. آیات برقراری امنیت اختلاف‌کنندگان

از دیدگاه قرآن اختلاف در جامعه، از شرایط زندگی انسانی است. انسان‌ها به دلایل مختلف، اندیشه و نظرات گوناگونی دارند. همه توان فکر و اندیشه دارند و می‌توانند آن را اظهار کنند و باید در ایمنی باشند، هم از سوی افراد دیگر و هم نظام سیاسی، «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ... لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره، ۲۱۳). البته این اختلاف به معنای اختلاف حق و حقیقت نیست، بلکه حق داشتن نظری دیگر داشتن است. رسولان حق بشارت و تبتیر دارند، لذا امنیت را برای همه باید فراهم ساخت. مردم در ابتدا زندگی ساده و بسیطی داشتند، ولی کم‌کم در اثر کثرت افراد و ازدیاد سلیقه‌ها، اختلافات و درگیری‌ها پیش آمد. در برخی از روایات، این زمان به دوران قبل از حضرت نوح(ع) تطبیق شده که در آن زمان، مردم زندگی ساده و محدودی داشته و در بی‌خبری به سر می‌بردند. سپس افراد بر سر بهره‌گیری از منابع طبیعی و اینکه هر کسی می‌خواست دیگری را به استخدام خود درآورده و از منافع او بهره‌برد، اختلاف کرده و جوامع و طبقات پیش آمد. انتقاد قرآن، از اختلاف لجوجانه‌ای است که انسان حاضر به پذیرش داوری انبیاء و قانون خداوند نباشد، وگرنه اختلافی که عاقبت تسلیم عدالت شود، اشکالی ندارد. همچون اختلاف دو کفه ترازو که در حرکت‌های متضاد خود، دنبال رسیدن به عدالت هستند (قرآنی، ۱۳۸۳: ص ۲۱۳)، «فَهَدَى اللَّهُ ... لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ».

۶. نتیجه‌گیری

قرآن کریم به مثابه بالاترین پیام هدایت برای بشر ظرفیت‌های عظیم و قابل توجهی در تبیین معارف انسانی دارد. از این رو این تحقیق تلاش کرد براساس مطالعه آیات الهی و با رویکرد تفسیر موضوعی استخراجی، مرجع امنیت سیاسی افراد را از منظر قرآن تبیین نماید و تشریح کند که بر چه اساسی همه افراد یک جامعه دارای حقوقی سیاسی هستند. دولت اصلی‌ترین و مهم‌ترین تأمین‌کننده امنیت است و به عنوان ابتدایی‌ترین وظیفه باید آن را سامان دهد. امنیت در زمره اهداف و منافع و ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است و انسان باید برای تأمین آن تلاش کند و عوامل آشکار و نهان آن را شناسایی و در جستجوی تحقق آن به این عوامل تمسک جوید. به طور کلی

می‌توان نظر مساعدی را از قرآن در زمینه مرجع امنیت سیاسی افراد استنباط کرد. از نظر آموزه‌های قرآنی، بدون پذیرش امنیت سیاسی افراد در هیچ جامعه‌ای امید تعالی و ترقی وجود نخواهد داشت و لذا هر نظام سیاسی، به منظور دستیابی به نظامی مطلوب بایستی امنیت سیاسی را برای شهروندانش تأمین کند و از حقوق سیاسی ایشان صیانت نماید. به نظر می‌رسد قرآن مفسد گوناگون برخاسته از حکومت و قدرت سیاسی را با صراحت گوشزد می‌نماید. وقتی نهاد دولت در جامعه تأسیس شد، در عمل قدرت سیاسی رسمی در اختیار یک تن قرار می‌گیرد. چنین امکاناتی بدون در نظر گرفتن راهکارهای تحقق امنیت سیاسی، زمینه را برای ناامنی سیاسی و گسترش فساد در جامعه باز می‌نماید و زمینه سرکشی حاکم را مهیاء می‌سازد. خداوند در قرآن نمونه‌هایی از فسادهای سیاسی حاکمان را بیان نموده است. طغیان و عصیان، قتل و کشتار، به استضعاف کشاندن مردم و عدم اجازه ابراز وجود به آنان، علو و استبداد، ادعای الوهیت، فساد و فحشاء، اسراف، استخفاف افراد و استکبار از آن جمله‌اند. سرمنشاء چنین فسادی طبع حکومت و قدرت است که خداوند از زبان ملکه سباء بیان نموده است، «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآهَآ أَذِلَّةً وَكَذَّبَكْ يَفْعَلُونَ» (نمل، ۳۴). بنابراین، از منظر قرآن کریم، با فهم جایگاه انسان نزد خداوند و نقش او در روی زمین، شناسایی حقوق سیاسی او و نفی هرگونه تهدیدی می‌توان به تحقق جامعه مطلوب و آرمانی از منظر قرآن دست یافت.

منابع

قرآن کریم.

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). امنیت ملی: رهیافت‌ها و آثار. *مطالعات راهبردی*، پیش شماره ۲: ص ۶۰-۲۷.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). امنیت. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۳. انتظاری، علیرضا؛ ستوده، حمید (۱۳۹۶). امنیت کرامت‌آمیز انسان؛ مبنایی شاخص در حقوق شهروندی. *پژوهش‌های اخلاقی*، سال هفتم، شماره ۳: ص ۳-۱۸.
۴. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳). *مطالعات امنیتی نوین*. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء، ج ۳.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران، ج ۲، ۷.
۸. دیلمی، احمد (۱۳۷۸). مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام و غرب. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۱۶: ص ۹۰-۱۱۶.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: دارالقلم.
۱۰. سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۲). *مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام*. قم: بوستان کتاب.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱، ۱۴، ۱۸.
۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۱۳. گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷). *نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۴. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۲). دیدگاه امنیتی شیعه با تاکید بر اندیشه آیت‌الله شهید بهشتی. *شیعه‌شناسی*، شماره ۴۱: ص ۷-۴۰.
۱۵. لک‌زایی، نجف؛ رحمت الهی، حسین؛ حاج‌زاده، هادی؛ ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۴). امنیت

- سیاسی افراد و مرجعیت آن در فقه امامیه. حقوق/اسلامی، شماره ۴۴: ص ۱۱۳-۱۵۲.
۱۶. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. ملاصدرا، صدرالدین محمد (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار، ج ۲.
۱۸. میراحمدی، منصور (۱۳۹۴). آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران. آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۶: ص ۸۹-۱۰۴.
۱۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۰). تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب، ج ۱.

استناد به این مقاله**DOI:** 10.22034/sm.2020.112142.1423

آل سیدغفور، سیدسجاد (۱۳۹۹). گزاره‌های قرآنی مرجع امنیت سیاسی افراد. سیاست متعالیه،

۸ (۲۹): ص ۳۷-۵۴